

سطوح هدفها:

یونسکو مراحل زیر را برای سطوح هدفها پذیرفته است :

هدفهای آرمانی: که فیلسوفان و ایدئولوگهای جامعه ارائه میدهند مانند تاسیس یک جامعه اسلامی یا تربیت

یک ملت عادل یا تحقق فرصتهای مناسب و مساوی برای همه.

مقاصد آموزشی: کلیت آنها از کلیت هدفهای آرمانی کمتر است و میان مدت میباشند و بطور مستقیم به

هدفهای آموزشی مربوط میشوند مانند تاسیس مدارس فنی و حرفه ای.

هدفهای جزئی: که وظایف ویژه، مختص فرایند یاددهی-یادگیری را بیان میکنند و دارای سطوحی هستند

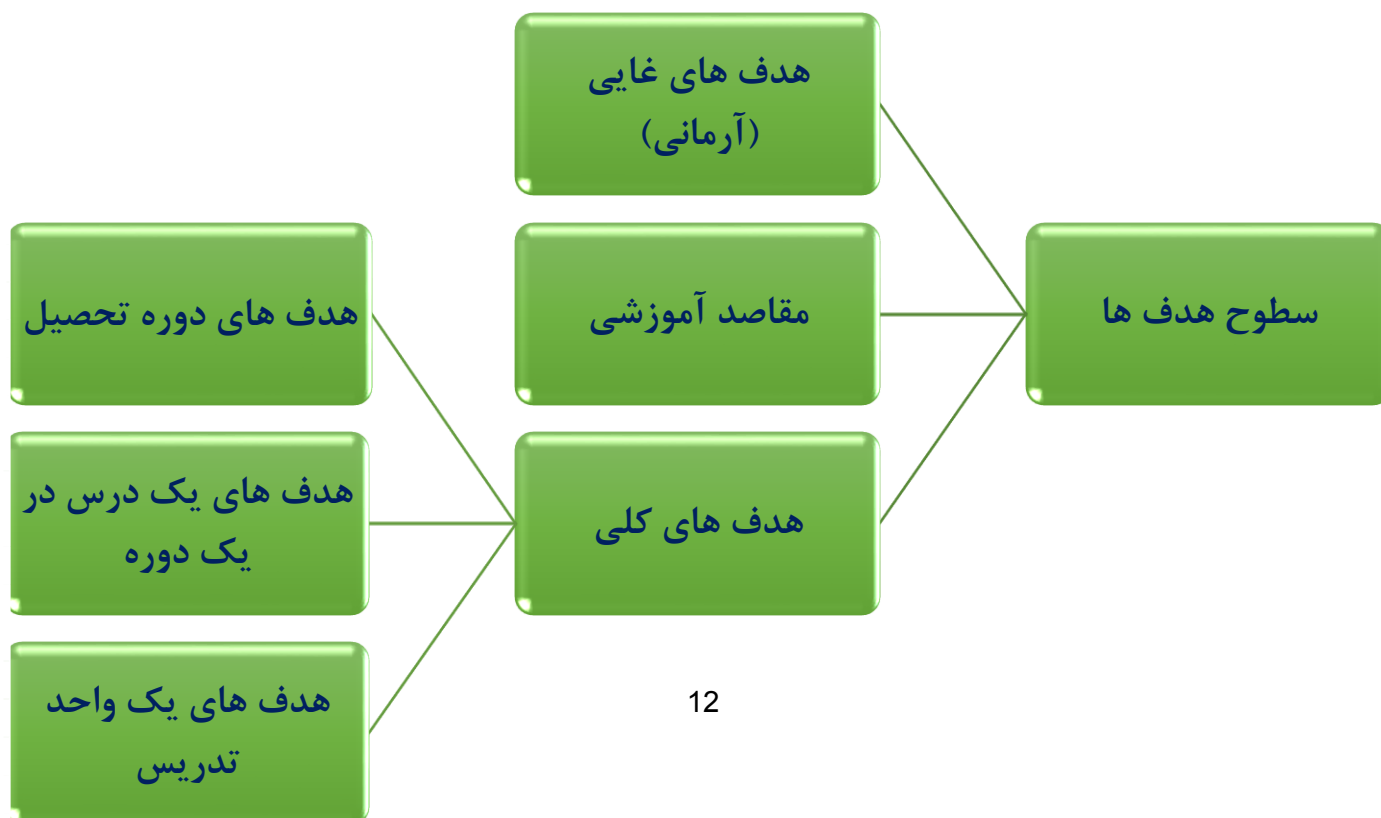
مثل: مدرسه معین، دروس خاص یا افراد روستا.

سیلور و الکساندر سطوح زیر را تعیین کرده اند:

[مقاصد- هدفهای کلی-هدفهای جزئی- هدفهای عینی - هدفهای عینی خاص.]

با توجه به نظام آموزشی کشور خود که شکل متمرکز دارد و با توجه به وجود یک نظام اعتقادی همه شمول

سطوح زیر را برای هدفها می پذیریم :



منابع تامین هدف ها نیز بصورت زیر می باشد:



می توان این منابع را بصورت زیر بررسی کرد:

الف: نظام اعتقادی و ارزشی:

چهار دیدگاه فلسفی که روی برنامه درسی بیشترین تأثیر را داشته عبارتند از:

۱- ماهیت گرایی

۲- پایدارگرایی

۳- پیشرفت گرایی

۴- بازسازی گرایی

فلسفه روی جنبه های اساسی برنامه درسی تأثیر میگذارد. مهمترین عنصر برنامه درسی «هدف تعلیم و

تربیت» است.

- هدف ماهیت گرایی تسلط به مفاهیم و اصول ماده درسی
 - هدف پیشرفتگرایی توسعه زندگی اجتماعی دموکراتیک
 - هدف پایدارگرایی پرورش عقل و تربیت فرد عقلانی
 - هدف بازسازی گرایی: بازسازی جامعه و تعلیم و تربیت برای تغییر و اصلاح اجتماعی برنامه درسی
- باید بر دیدگاه فلسفی خاصی بنا گردد برنامه ریزان درسی قبل از هر چیز باید شناخت درستی از دیدگاه فلسفی فرهنگ و کشور خود داشته باشند و براساس آن درباره منابع اطلاعاتی دیگر و پس از آن تعیین هدفها تصمیم گیری کنند.

ب: ماهیت یادگیری:

«یادگیری» منبع دیگر هدف است نخستین عنصری که تحت تاثیر دیدگاه یادگیری برنامه ریز قرار میگیرد «هدف برنامه درسی» است. محتوا و بیان هدفها بر اساس نظریه یادگیری حاکم بر فضای برنامه ریزی تعیین میگردد مثلاً برنامه ریز پیرو مکتب گشتالت هدفها را با توجه به درک «کل» و کسب یک «ساختار شناختی» جهت میدهد. علاوه بر هدف، عناصر دیگر برنامه درسی یعنی محتوا، سازماندهی محتوا، تجربیات یادگیری، استراتژیهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی نیز از نظریه یادگیری حاکم بر تصمیم گیریها تأثیر می پذیرد. سه خانواده نظریه های یادگیری که روی برنامه های درسی تأثیر میگذارند عبارتند از:

۱- نخستین خانواده نظریه های یادگیری، به پیوند محرک و پاسخ تأکید می کند. نکته اساسی این نظریه ها «تجربه است». تفکر بخشی از یک توالی محرک و پاسخ است که در بیرون از فرد یاد گیرنده شروع می شود و به پایان می رسد یادگیری فرآیند شرطی شدن است که توسط یاد گیرنده پاسخ جدیدی را فرا می گیرد انگیزش میل به عمل است که از یک محرک ناشی می شود.

۲- دومین خانواده نظریه میدان است که نظریه های میدان- گشتالت، میدان شناختی، میدان ادراکی را در بر

می گیرد. در این نظریه ها "کل" اهمیت بیشتری دارد.

۳- سومین تئوری یادگیری، تئوری اجتماعی است که توسط جامعه شناسان، انسان شناسان و روانشناسان اجتماعی مورد تاکید قرار میگیرند طبق این نظریه انسان استعدادهای نامحدود یادگیری دارد .

کاربرد نظریه های یادگیری در برنامه ریزی درسی: بهترین و مناسبترین روش یادگیری، یادگیری تسلط

یاب است برنامه ریزی درسی به طرق مختلف باید فراگیران را به یادگیری تشویق نمایند. هر نظریه یادگیری نوع خاص یادگیری را توصیف میکند فراگیران با یکدیگر متفاوت هستند و نظریه های یادگیری گوناگون روشهای برنامه ریزی درسی مختلف را مورد حمایت قرار میدهند. انواع مختلف یادگیری مانند یادگیریهای فعال و منفعل، معنی دار و طوطی وار، جزئی و کلی، فردی و اجتماعی وجود دارد که بهیضی از آنها نتیجه یک عامل خارجی و بعضی نتیجه یک عامل درونی است برنامه ریزان درسی باید بتوانند که با استفاده از شیوه های یادگیری و نیازهای فردی، هریک از این یادگیریها را تحقق بخشند.

امروزه مفاهیمی از نظریه های یادگیری در برنامه ریزی درسی کاربرد دارند که عبارتند از :

۱- همانند سازی

۲- کشف

۳- ویژگیهای فرهنگی

۴- روشهای افزایش قدرت انتقال

۵- اشتیاق به یادگیری و دانش

با منبع قرار دادن یادگیری در تعیین هدف و تأکید بر «فرآیند» به جای «نتیجه» و تأکید بر «مهارتهای ذهنی» به جای «اطلاعات و مفاهیم تراکم» برنامه درسی اصلاح و تعدیل نموده است.

پ: مطالعه جامعه:

یکی از وظایف برنامه های درسی رفع نیازهای جامعه است در این مطالعه هم باید به نیازهای آنی توجه کرد هم به تغییرات و تحولات مستمر و هدفهای برنامه درسی در ارتباط با تغییرات اساسی که در جامعه در حال وقوع است انتخاب نمود تا برنامه درسی همواره با نیازهای گوناگون زندگی اجتماعی انطباق یابد با توجه به موارد یاد شده دو اصل مطرح می شود:

الف) هدفهای برنامه درسی باید متناسب با شرایط و امکانات جامعه و با توجه به نیازهای آن تعیین شوند.

ب) هدفهای برنامه درسی باید قابل تغییر باشد.

ت: مطالعه یاد گیرنده:

برنامه درسی وقتی پویا است که متضمن فعالیتهای یاد گیرنده برای کسب موفقیت آمیز تجربیات یادگیری باشد و یاد گیرنده وقتی در جریان آموزش مشارکت داشته و از تجربه های مفید بهره مند می شود که این تجربه ها با آمادگی، علایق، امکانات، نیازها و تکالیف رشد آنان متناسب باشد. در یک طبقه بندی کلی سه جنبه اساسی یاد گیرنده مورد مطالعه قرار می گیرد.

- تواناییهای ذهنی
- علایق و نیازها
- شخصیت یاد گیرندگان

ث: مطالعه دانش:

هر برنامه درسی با یکی از رشته های علمی ارتباط مستقیم دارد برای تعیین هدفهای آموزشی برنامه درسی شناخت ساختار آن رشته علمی ضروری است در این مطالعه، چند بعد اساسی در خور بررسی است:

- مفاهیم و اصول

- مهارت‌ها و نگرش‌ها
- روش تحقیق در آن علم
- هدف‌های خاص آن علم

هدف:

یکی از پرسش‌های اساسی در بررسی اهداف این است که آیا تفکیک هدف به سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی ضروری است؟ میتوان گفت یادگیری دارای سه رکن: شناخت، گرایش و عمل است. هدف در فرایند آموزش چیزی جز "حدا یادگیری" نیست برای تحقق یادگیری موثر که موجب تغییر در رفتار یادگیرنده شود هدف نیز به تبع یادگیری دارای ارکان سه گانه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی است.

هدف حل مسئله:

هدف حل مسئله با هدف رفتاری تفاوت اساسی دارد در هدف حل مسئله یادگیرنده مسئله ای را تشخیص میدهد یا مسئله ای به او داده میشود تا آن را حل کند. شیوه حل مسئله، برای فعالیتهای شناختی، کاوشگری تفکر آمیز و فرایندهای سطح بالای ذهنی، انعطاف پذیری زیادی دارد. این امر زمینه ساز نوعی فعالیتهای برنامه ریزی در سیاست که کم و بیش بطور جدی از سوی دانشجویان و محققان دنبال میشود.

محل تحقق هدفها:

آیا هدفها تنها در فعالیتهای داخل مدرسه باید محقق شوند یا عوامل و فعالیتهای موسسات بیرون از مدرسه نیز در آن دخالت دارد؟

الف: فراگیر از همه جا یاد میگیرد.

ب: غنای تجربه ها موجب یادگیری عمیق میشود..

ج: دیدن بیش از شنیدن موثر است.

د: پژوهشگری شیوه موثر تحقق هدفهاست.

ه: هدفها باید با توجه به زمان حال و آینده تعیین گردند.

محتوا:

نخستین گام برای ایجاد امکان تحقق هدف، انتخاب محتوای آموزشی مناسب و مطلوب است. چون هدفها بوسیله محتوا تامین میشود توجه به انتخاب محتوا همیشه به عنوان یک عنصر مهم برنامه درسی در نظر بوده است.

بحث محتوا را بر چهار محور زیر مورد بررسی قرار میدهیم :

- ۱- تعریف محتوا
- ۲- ماهیت محتوا
- ۳- اشکال مختلف ارائه محتوا
- ۴- ارتباط محتوا

تعریف محتوا:

محتوا عبارت است از مجموعه حقایق، مفاهیم، اصول، تعمیم ها، فعالیتهای، فرایندها، ارزشها و نگرشها که در ارتباط با یکدیگر و در جهت هدفهای یادگیری برای یادگیرنده پیش بینی میشود.

ماهیت محتوا:

”در انتخاب و سازماندهی محتوا نباید لزوماً ساختار محتوا و سازماندهی آن را با ساختار منطقی دانش انطباق دهیم، بلکه ساختار منطقی دانش یکی از عوامل موثر بر انتخاب و سازماندهی محتوا است و وسیله ای است که در تحقق رشد و تربیت یادگیرنده ایفای نقش میکند.“

محتوا و بزرگسالان : محتوای برنامه درسی بوسیله بزرگسالان انتخاب میشود چون تجربیات ، تصورات و ساختار ذهنی بزرگسالان با کودکان متفاوت است بزرگسالان در تهیه محتوای برنامه درسی برداشتهای خود را محور انتخاب محتوا قرار میدهند بنابراین نباید تعجب کرد که چرا یادگیری دانش آموزان در مدرسه تاثیر کمتری در شخصیت و رفتار آدمی میگذارد چرا که محتوا بر اساس برداشت و تجربه های بزرگسالان برنامه ریز انتخاب شده است.

محتوا و روش: یکی از مسائل بحث انگیز بین برنامه ریزان درسی، رابطه محتوا و روش است به تازگی به فرایند تهیه برنامه درسی توجه زیادی شده است تا حدی که جایی که بطور سنتی به محتوا تاکید میشود یادگیری لفظی و طوطی وار رخ میدهد و این نوع محتوا بزودی فراموش میشود برنامه ریزان درسی به استفاده از محتوا بیش از خود محتوا اهمیت میدهند. برای آنان دانش یک وسیله است تا مقصد. با تعیین و ارائه ی فرآیند مفهوم سازی در محتواهای برنامه های درسی امکان فعالیت یاد گیرنده و تحقق یادگیری عمیقتر فراهم می گردد.

ارائه محتوا:

ارائه ی محتوا به صورت گوناگون شکل می گیرد:

- ۱- ارائه ی محتوا به صورت نوشتاری و مکتوب
- ۲- انتخاب عکس و تصاویر زیبا و مربوط به مفاهیم و مطالب تهیه شده
- ۳- فضای برنامه ی درسی به عنوان فضای یادگیری
- ۴- فعالیتهای یادگیری و وظایفی که به عهده ی یادگیرنده گذاشته می شود منبعی برای توسعه دانش اوست و این بخش از یادگیری پایدارتر است.
- ۵- فعالیتهای خارج از مدرسه مثل بازدید و گردشهای علمی.

وحدت محتوا:

یکی از پرسشهای اساسی برنامه ریزی درسی اینست که آیا محتوای برنامه درسی به صورت مجزا از هم انتخاب و سازماندهی شود و یا وحدت و ارتباط آنها با یکدیگر باید مورد نظر برنامه ریزان باشد؟ در شرایط کنونی در کشور ما محتوای برنامه ها به طور عمده مجزا از هم ارائه می شود و تلاش برای پیوند دادن برنامه های درسی مختلف از ضرورتهای تعلیم و تربیت در کشور است.